



گالری هدیه ماندگار

طلاي ۲۴ عيار

آدرس: عدالت ۸۵

مرکز تجاری تندیس - طبقه اول

پيرومراډيان



گلشمن

روزنامه

گلشن مهر شناسنامه گلستان است

دوشنبه ۲۹ آبان ماه ۱۴۰۲ / سال بیست و نهم / شماره ۲۶۸۳ / صفحه ۸ / ۲۵۰۰ تومان

یادداشت اول

روز جهانی کودک

■ بامسؤولیت سردبیر

۲۹ آبان برابر با بیستم نوامبر روز جهانی کودک است. برای ما بزرگترها که مدام درگیر و دار زندگی ماشینی و روزمره هستیم و کمتر به فکر دور و بر و رفت و آمدها هستیم و به ناگاه می بینیم که فلان کودک فامیل قد کشیده است و برای خود نوجوانی شده است. شاید نامگذاری این روزها تلنگری باشد که کمی ما را از روزمره گی دور کند و به ما یادآوری نماید که در زندگی با همه مشقت ها و سختی هایش چیزهایی برای تامل بیشتر هست و باید به آنها توجه داشت. اما درباره روز جهانی کودک باید گفت، توجه به کودک به طور رسمی به سال های پس از جنگ جهانی دوم بازمی گردد. با شعله ور شدن آتش جنگ جهانی دوم، میلیون ها کودک در سرتاسر جهان گرفتار رنج های بی پایان شدند. هزاران کودک در اردوگاه ها جان سپردند، صدها هزار کودک در بمباران های شهرها و مراکز غیرنظامی دفن شدند و صدها هزار کودک معلول و بی سرپرست و بی خانمان از آتش ویرانگر جنگ بر جای ماندند. یک نهاد مدنی در غرب برای رفاه کودکان، در سال ۱۹۵۲ سازمان ملل متحد را فراخواند تا روزی را به عنوان روز جهانی کودک برگزار کند. بر اساس مصوبه ی جهانی سازمان ملل، کشورهای مختلف یک روز را به نام کودک انتخاب کرده و همه ساله آن روز را با هدف توجه دادن جامعه به مسائل کودک جشن می گیرند. درباره فلسفه این روز نیز باید گفت روز جهانی کودکان تنها برای جشن گرفتن و شادی کودکان نیست، بلکه هدف از نامگذاری و برنامه های آن آگاهی بخشی به کسانی است که در سراسر جهان خشونت را در قالب سوءاستفاده، استثمار و تبعیض تجربه کرده اند یا آن را به وجود آورده اند. در برخی کشورها کودکان به عنوان کارگر مورد استفاده قرار می گیرند یا مشغول درگیری های مسلحانه و زندگی در خیابان ها هستند. در حال حاضر، بیش از ۱۵۳ میلیون کودک بین ۵ تا ۱۴ سال وجود دارند که مجبور به کار کردن هستند.

ادامه در صفحه ۲



کتاب آینه فرهنگ
و فرزاتگی
« ۱ »



سینما
« ۵_۴ »



تاراج تاریخ
در گورستان نومل
« ۲ »

دخالت انسان عامل بحران



بیش از ۷۵ درصد از ذخائر آب فسیلی ایران معادل حدود ۱۷۰ میلیارد متر مکعب برداشت و به صورت بی رویه مصرف شد که از این مقدار متاسفانه حدود ۷۵ میلیارد مترمکعب آن در ۸ سال گذشته برداشت و مصرف شده است. اختصاصی کردن این ثروت ملی، ارزان بودن بهای آبهای برداشت شده، عدم نظارت و کنترل نهادهای ذیربط، کشاورزی و آبیاری غلط، احداث سدهای بیشمار در مناطق خشک و نیمه خشک گرما و خشکی هوا شدت تبخیر و وزش بادهای ۱۳۰ روزه باعث شده است که ۹۳ درصد آبهای شیرین کشور در بخش کشاورزی برای ۱۲ درصد مساحت اراضی کشاورزی و باغستانهای سراسر کشور مصرف گردد. بدیهی است چالش بزرگ آینده ایران ورشکستگی حاصل از بحران آب و پیامدهای ناگوار آن خواهد بود.

عضو بازنشسته هیات علمی دانشگاه

است. هدر رفت آب در شبکه آبرسانی به دلیل فرسودگی عامل مهم دیگری است به طوری که دانشکده محیط زیست دانشگاه تهران در سال ۱۳۹۴، میزان هدر رفت آب در این بخش را ۱۳ درصد در ۴۰ شبکه های فرسوده ارزیابی و اعلام کرده است. از زمان حکومت ساسانیان و هخامنشیان تا حدود ۳۵ سال پیش بیشتر مصرف آب حتی در قناتها از منابع سطحی بوده و از منابع زیر سطحی کمتر استفاده میشد اما در طول این سالها

خشک نیز تبخیر و از دسترس دور می گردد و بخش ناچیزی در زمین فرورفته به لایه های عمقی خاک (منابع آب زیرزمینی یا آبخوانها) اضافه می شوند. حفر چاه ها که "غالباً بدون مجوز بوده و برداشت بی حساب و کتاب آنها، سطح آبهای زیرزمینی را بطور متوسط نیم متر در سال معادل حدود سه برابر استاندارد جهانی کاهش داده است. این برداشت بی رویه باعث خشک شدن ۲۹۷ دشت حاصلخیز از ۶۰۰ دشت در کشور گردیده

نوروزعلی حسن عباسی _ کشور ایران در کمربند مناطق خشک و گرم جهان قرار دارد. به جز باریکه شمال، در بقیه نقاط کشور متوسط بارندگی سالیانه تا قبل از سال ۱۳۳۷ خورشیدی حدود ۲۵۰ میلیمتر بوده است که از این تاریخ تا سال ۱۳۹۴ با یک شیب ملایم به ۲۴۰ میلی متر رسیده است. در همین مدت میزان روان آبها از این شیب تبعیت نکرده و حدود ۵۵ درصد کاهش داشته است و این مساله نشان دهنده مهار و مصرف بی رویه روان آبهای سطحی از مبدا مسیله ها تا مقصد که همان تالاب یا دریاچه و دریا است به شیوه های مختلف جمع آوری ذخیره (در حوضچه پشت بندها و خاکریزها و یا مخزن پشت سدها) و یا به صورت بی رویه در آبیاری ثقلی یا غرقابی مزارع و باغستان ها استفاده شده است، مسیله ها خشک یا کم آب و تالاب ها نیز تهی از آب شده اند. ناگفته نماند که بخش اعظم آبهای ذخیره شده پشت سدها به ویژه در مناطق خشک و نیمه

ادامه یادداشت اول

روز جهانی
کودک

یونیسف اعلام کرده است که تنها با اختصاص پنج دلار برای هر کودک می‌توان جان ۹۰ درصد از کودکانی را که سالانه می‌میرند، نجات داد و برای بهبود چشمگیر زندگی کودکان جهان سوم، کافی است که فقط مبلغ ۶ هفته بودجه تسلیحاتی جهان هزینه شود. این روزها البته مرگ کودکان بی گناه در جنگ غزه نیز شاهد دیگری است که به ما یادآوری می‌کند ارزشهای انسانی باید همواره مورد توجه باشند، خردسالانی که این روزها در زیر دهان تن مواد منفجره زندگی خود را از دست داده‌اند، به سان همه کودکان، حق زندگی، حق تحصیل و تربیت داشتند اما از آنها ستانده شد. صبحگاهان وقتی به محل کارتان می‌روید، در چراغ قرمز به آینده کودکانی که جلوی خودروتان را می‌گیرند و در خواست خریدی از شما دارند بیندیشید، آنها فارغ از مذهب قوم و آیین، آیندگان این سرزمین هستند و نیازمند برنامه ریزی بیشتر و یادتان باشد که نسل ما به آنها بدهکار است.

عملیات اجرایی تله کابین
گران آغاز می‌شود

استاندار گلستان با اشاره به اینکه تمامی مجوزهای قانونی پروژه تله کابین اخذ شده است، گفت: این پروژه در سفر رییس جمهور به استان آغاز خواهد شد. به گزارش روابط عمومی، علی محمد زنگانه در جلسه بررسی احداث تله کابین گرگان تصریح کرد: ضروری است برای پیشرفت و توسعه گلستان در تمامی پروژه‌ها و طرح‌ها تلاش شود و ضمن ریسک پذیری، شجاعانه

اقدام کنیم. وی افزود: توقیفی در اجرای پروژه‌هایی که حق مردم گلستان است، نخواهیم داشت و اقیانوس سازی عقلانی و خردگرایانه به معنای متوقف سازی روند بن بست شکنی هائینست و پروژه تله کابین گرگان یکی از همین بن بست شکنی هاست که با قدرت در راستای منافع مردم استان اجرا خواهد شد. زنگانه اظهار کرد: خوشبختانه در اجرای پروژه گردشگری تله کابین گرگان همدلی، اتحاد، انسجام و وحدت بین تمامی دلسوزان استان وجود دارد. استاندار گلستان گفت: پروژه تله کابین گرگان با همراهی سلاجقه رییس سازمان محیط زیست، بر اساس مقررات و قوانین محیط زیستی و البته با حضور سرمایه گذار بخش خصوصی و با رمز یازینب (س) اجرایی خواهد شد.

رفع مخاطره از ۱۶ نقطه
اولویت دار
حادثه ساز جاده‌ای

معاون هماهنگی امور عمرانی استاندار گلستان از رفع مخاطره از ۱۶ نقطه اولویت دار حادثه ساز جاده‌ای در این استان خبر داد. به گزارش روابط عمومی، سید مهدی مهبیایی در حاشیه جلسه شورای هماهنگی ترافیک استان گفت: از ۹۵ نقطه حادثه ساز جاده‌ای در استان، ۳۹ نقطه برای رفع مخاطره در اولویت قرار داشت که تاکنون این اقدام در ۱۶ نقطه انجام شد. وی افزود: ۲۳ نقطه نیز تا پایان امسال و بقیه در سال ۱۴۰۳ رفع مخاطره خواهد شد. معاون هماهنگی امور عمرانی استاندار گلستان با اشاره به اینکه استان گلستان بعد از تهران، دومین استان کشور از نظر نقاط حادثه ساز جاده است، تاکید کرد: از همه ظرفیت‌های مالی برای به انجام رساندن این کار استفاده می‌کنیم.

تاراج تاریخ در گورستان نومل



به بهسازی و مسطح کردن محیط قبرستان گرفتند و بسیاری از سنگ قبرها، به طور عمدی و سهوی به بستر رودخانه ریخته شده و تخریب شدند. زینی با بیان اینکه در زمان کودکی به یاد دارم یک روز به همراه چند نفر از دوستانم در کنار یکی از سنگ قبرهای قدیمی ایستاده بودیم و آقای خیرالله کشتکار که از افراد باسواد و معلم روستا بودند نیز حضور داشت و متن زیبای نوشته شده به خط قدیمی روی سنگ قبر را برای ما ترجمه کرد. روی سنگ قبر تصویری

گورستان نومل در گذشته نه چندان دور سنگ قبرهای تاریخی و زیبایی بسیاری را در دل خود جای داده بود. این سنگ قبرها در گذر زمان بر اثر غفلت نابود شدند و امروز فقط تعداد کمی از آنها باقی مانده که به حال خودرها شده و در معرض نابودی است. به گزارش ایستا، وجود چند سنگ قبر تاریخی و زیبا که به گوشه دیوار قبرستان روستای نومل تکیه داده شده بودند نظرم را به خود جلب کرد، فقط همین تعداد سنگ قبر تاریخی اینجاست یا باز هم می‌توان یافت؟ قدمت سنگ قبرها به کجای تاریخ باز می‌گردد؟ چرا سنگ قبرها بدون کوچکترین محافظتی رها شده‌اند؟ و دهها سؤال دیگر که در ذهنم قطار شدند. علی زینی مرد میانسال از اهالی روستای نومل گرگان با اشاره به اینکه تعداد زیادی سنگ قبرهای تاریخی که با خطی شبیه به خط میخی حکاکی شده بود در قبرستان کاظمیه روستای نومل وجود داشت، گفت: قبرستان روستا در مجاورت بستر رودخانه بزرگ (دره) واقع شده و در سال‌های متمادی چندین نوبت مردم روستا با تراکتور و وسایل مکانیکی اقدام

از آینه و شانه قرار داشت و معلم ما گفت: این قبر متعلق به یک عروس و داماد بوده که در حادثه‌ای جان خود را از دست داده‌اند. وی ادامه داد: روستای نومل ۹ قبرستان قدیمی دارد که هر کدام در دوره‌ای از زمان محل دفن اموات روستا بوده و در حال حاضر قبرستان کاظمیه در قلب روستا محل استفاده مردم است. بومی روستای نومل با بیان اینکه من تا امروز حضور کارکنان اوقاف و یا میراث فرهنگی را در قبرستان روستا ندیده و نشنیده‌ام که برای بررسی حاضر شوند، افزود: در سال‌های خیلی دور زمانی که کودک بودم در یکی از گورستان‌های قدیمی روستا قبرهای بزرگ‌تر از حالت عادی که در زمان محلی به آن قبرهای «گبری» می‌گویند، را با چشمانم دیدم اما امروزه اثری از آن‌ها باقی نمانده است. زینی تصریح کرد: متأسفانه بر اثر غفلت و بی‌توجهی، بسیاری از سنگ قبرهای با ارزش و تاریخی روستا نابود شده است و فقط همین تعداد کم باقی مانده که یکی از اهالی در سال‌های اخیر آنها را به گوشه دیوار تکیه داده تا شاید از تخریب بیشتر در امان بماند.

آنگهی ثبتی

آنگهی موضوع ماده ۳ و ماده ۱۳
آیین نامه قانون تعیین تکلیف وضعیت ثبتی اراضی
وساختمانیهای فاقد سند رسمی

برابر آراء موضوع قانون تعیین تکلیف وضعیت ثبتی اراضی وساختمانیهای فاقد سند رسمی در واحد ثبتی کردکوی تصرفات مالکانه و بلا معارض متقاضیان محرز گردید لذا مشخصات متقاضیان و املاک مورد تقاضا به شرح ذیل به منظور اطلاع عموم در دو نوبت به فاصله ۱۵ روز آنگهی میگردد. در صورتیکه اشخاص نسبت به صدور سند مالکیت متقاضیان اعتراضی داشته باشند، می‌توانند از تاریخ انتشار اولین آنگهی به مدت دو ماهه اعتراض خود را به اداره ثبت اسناد و املاک محل تسلیم و پس از اخذ رسید طرف مدت یک ماه از تاریخ تسلیم اعتراض دادخواست خود را به مرجع قضایی تقدیم نمایند. بدیهی است در صورت انقضای مدت مذکور و عدم وصول اعتراض طبق مقررات سند مالکیت صادر خواهد شد. صدور سند مالکیت مانع مراجعه متضرر به دادگاه نخواهد بود.

پلاک ۲-اصلی اراضی کردکوی

۱) آقای محمدعلی پارسائی فرزند رمضانعلی به شماره شناسنامه ۱۴ صادره از کردکوی و شماره ملی ۲۲۴۹۳۸۴۳۳۶ در ششدانگ یکقطعه زمین مزروعی به مساحت ۱۰۸۱۶ مترمربع که مقدار ۱۰۰ سهم مشاع از ۸۶۴ سهم ششدانگ عرصه وقف عام است، قسمتی از پلاک ۰ فرعی از ۲ اصلی واقع در بخش ۲ حوزه ثبت ملک کردکوی خریداری شده از مالک رسمی آقای رمضانعلی پارسائی طبق رای شماره ۱۴۰۲۶۰۳۱۲۰۲۰۰۵۸۱۴ مورخ ۱۴۰۲۰۸،۱۳ کلاسه پرونده ۱۳۹۱۱۴۴۱۲۰۲۰۰۰۱۱۲

۲) آقای شعبان مهدان فرزند ابوالحسن به شماره شناسنامه ۳۰ صادره از کردکوی و شماره ملی ۲۲۴۹۳۷۰۷۷۳ در ششدانگ یکقطعه زمین مزروعی به مساحت ۶۴۷۱،۷۶ مترمربع که مقدار ۱۰۰ سهم مشاع از ۸۶۴ سهم ششدانگ عرصه وقف عام است، قسمتی از پلاک ۰ فرعی از ۲ اصلی واقع در بخش ۲ حوزه ثبت ملک کردکوی خریداری شده از مالک رسمی آقای ابوالحسن مهدان طبق رای شماره ۱۴۰۲۶۰۳۱۲۰۲۰۰۵۸۱۴ مورخ ۱۴۰۲۰۸،۱۳ کلاسه پرونده ۱۳۹۱۱۴۴۱۲۰۲۰۰۰۰۱۱۲

۳) آقای شعبان مهدان فرزند ابوالحسن به شماره شناسنامه ۳۰ صادره از کردکوی و شماره ملی ۲۲۴۹۳۷۰۷۷۳ در ششدانگ یکقطعه زمین مزروعی به مساحت ۶۴۵۵،۸۱ مترمربع که مقدار ۱۰۰ سهم مشاع از ۸۶۴ سهم ششدانگ عرصه وقف عام است، قسمتی از پلاک ۰ فرعی از ۲ اصلی واقع در بخش ۲ حوزه ثبت ملک کردکوی خریداری شده از مالک رسمی آقای احسان مهرا و محضوبه و نصیبه و ملکه و حکیمه و محمد همگی مهدان طبق رای شماره ۱۴۰۲۶۰۳۱۲۰۲۰۰۵۸۱۴ مورخ ۱۴۰۲۰۸،۱۳ کلاسه پرونده ۱۳۹۱۱۴۴۱۲۰۲۰۰۰۰۰۱۱۲

۴) آقای روح اله مازندرانی فرزند علی اصغر به شماره شناسنامه ۲۷۰ صادره از کردکوی و

شماره ملی ۲۲۴۹۱۷۸۱۳۳ در ششدانگ اعیان یکباب ساختمان به انضمام ۷۶۴ سهم مشاع از ۸۶۴ سهم ششدانگ عرصه که ۱۰۰ سهم مشاع ما بقیه آن وقف عام است به مساحت ۵۲۰۰ مترمربع، قسمتی از پلاک ۰ فرعی از ۲ اصلی واقع در بخش ۲ حوزه ثبت ملک کردکوی خریداری شده از مالک رسمی آقای احمد مازندرانی طبق رای شماره ۱۴۰۲۶۰۳۱۲۰۲۰۰۵۸۲۶ مورخ ۱۴۰۲۰۸،۱۳ کلاسه پرونده ۱۴۰۲۰۸،۱۳

۵) خانم حکمت سادات عقیلی فرزند سیداسحق به شماره شناسنامه ۶۵ صادره از کردکوی و شماره ملی ۲۲۴۹۱۵۲۴۷۰ در ششدانگ اعیان یکباب ساختمان به انضمام ۷۶۴ سهم مشاع از ۸۶۴ سهم ششدانگ عرصه که ۱۰۰ سهم مشاع ما بقیه آن وقف عام است به مساحت ۱۱۶،۵۰ مترمربع، و قسمتی از پلاک ۰ فرعی از ۲ اصلی واقع در بخش ۲ حوزه ثبت ملک کردکوی خریداری شده از مالک رسمی آقای رضاقلی درزی طبق رای شماره ۱۴۰۲۶۰۳۱۲۰۲۰۰۵۸۲۳ مورخ ۱۴۰۲۰۸،۱۳ کلاسه پرونده ۱۴۰۲۰۸،۱۳

۶) آقای رضاسرابانندی مقدم فرزند غلامحسین به شماره شناسنامه ۲۶۵۱ صادره از بهشهر و شماره ملی ۲۱۸۰۲۵۵۷۹۹ در ششدانگ یکقطعه باغ به مساحت ۲۵۱۴،۶۷ مترمربع که مقدار ۱۰۰ سهم مشاع از ۸۶۴ سهم ششدانگ عرصه وقف عام است، قسمتی از پلاک ۰ فرعی از ۲ اصلی واقع در بخش ۲ حوزه ثبت ملک کردکوی خریداری شده از مالک رسمی آقای مهدی باقرحسینی کیه طبق رای شماره ۱۴۰۲۶۰۳۱۲۰۲۰۰۵۸۳۴ مورخ ۱۴۰۲۰۸،۱۳ کلاسه پرونده ۱۴۰۲۰۸،۱۳

۷) خانم کبراحسینی فرزند محسن به شماره شناسنامه ۹۶ صادره از کردکوی و شماره ملی ۲۲۴۹۱۵۲۷۸۰ در ششدانگ اعیان یکباب ساختمان به انضمام ۷۶۴ سهم مشاع از ۸۶۴ سهم ششدانگ عرصه که ۱۰۰ سهم مشاع ما بقیه آن وقف عام است به مساحت ۲۲۴۵،۵۰ مترمربع، و قسمتی از پلاک ۰ فرعی از ۲ اصلی واقع در بخش ۲ حوزه ثبت ملک کردکوی خریداری شده از مالک رسمی آقای گل آقابزرگ آل رضاقلی درزی طبق رای شماره ۱۴۰۲۶۰۳۱۲۰۲۰۰۵۸۲۴ مورخ ۱۴۰۲۰۸،۱۳ کلاسه پرونده ۱۴۰۲۰۸،۱۳

۸) آقای مهدی منوچهری فرزند شعبانعلی به شماره شناسنامه ۲۱۱ صادره از کردکوی و شماره ملی ۲۲۴۹۱۸۰۹۴ در ششدانگ اعیان یکباب ساختمان به انضمام ۷۶۴ سهم مشاع از ۸۶۴ سهم ششدانگ عرصه که ۱۰۰ سهم مشاع ما بقیه آن وقف عام است به مساحت ۱۵۸،۷۸ مترمربع، و قسمتی از پلاک ۰ فرعی از ۲ اصلی واقع در بخش ۲ حوزه ثبت ملک کردکوی خریداری شده از مالک رسمی آقای شعبانعلی منوچهری طبق رای شماره ۱۴۰۲۶۰۳۱۲۰۲۰۰۵۸۳۰ مورخ ۱۴۰۲۰۸،۱۳ کلاسه پرونده ۱۴۰۲۰۸،۱۳

۹) خانم فاطمه رحیمی الکی فرزند نورمحمد به شماره شناسنامه ۲۱۱۸ صادره از کردکوی و شماره ملی ۲۲۴۹۱۵۲۴۵ در ششدانگ اعیان یکباب ساختمان به انضمام ۷۶۴ سهم مشاع از ۸۶۴ سهم ششدانگ عرصه که ۱۰۰ سهم مشاع ما بقیه آن وقف عام است به مساحت ۳۷۱ مترمربع، و قسمتی از پلاک ۰ فرعی از ۲ اصلی واقع در بخش ۲ حوزه ثبت ملک کردکوی خریداری شده از مالک رسمی آقای سیدباقر عقیلی طبق رای شماره ۱۴۰۲۶۰۳۱۲۰۲۰۰۵۸۲۸ مورخ ۱۴۰۲۰۸،۱۳

۲ کلاسه پرونده ۱۴۰۲۰۸،۱۳

۱۰) آقای شهاب الدین مهران فرزند محمود به شماره شناسنامه ۱۷۹۶ صادره از کردکوی و شماره ملی ۲۲۴۹۸۵۷۰۶۷ در ششدانگ اعیان یکباب ساختمان به انضمام ۷۶۴ سهم مشاع از ۸۶۴ سهم ششدانگ عرصه که ۱۰۰ سهم مشاع ما بقیه آن وقف عام است به مساحت ۸۸۰ مترمربع، و قسمتی از پلاک ۰ فرعی از ۲ اصلی واقع در بخش ۲ حوزه ثبت ملک کردکوی خریداری شده از مالک رسمی آقای سعداله کیه طبق رای شماره ۱۴۰۲۶۰۳۱۲۰۲۰۰۵۸۳۶ مورخ ۱۴۰۲۰۸،۱۳ کلاسه پرونده ۱۴۰۲۰۸،۱۳

پلاک ۶۹-اصلی اراضی روستای اسلام آباد شاهده

۱۱) خانم سهیلا عراقی فرزند علی اکبر به شماره شناسنامه ۲۰۱ صادره از کردکوی و شماره ملی ۲۲۴۹۸۹۶۶۸۲ در ششدانگ یکقطعه زمین مزروعی به مساحت ۵۳۴۰،۹۰ مترمربع قسمتی از باقیمانده پلاک ۶۹-اصلی واقع در بخش ۲ حوزه ثبت ملک کردکوی خریداری شده از مالک رسمی آقای قنبر گرجی طبق رای شماره ۱۴۰۲۶۰۳۱۲۰۲۰۰۵۸۱۶ مورخ ۱۴۰۲۰۸،۱۳ کلاسه پرونده ۱۳۹۱۱۴۴۱۲۰۲۰۰۰۱۵۵۲

پلاک ۸۷-اصلی روستای چهارده

۱۲) آقای قربانعلی مهدوی فرزند میرزا به شماره شناسنامه ۷۰ صادره از کردکوی و شماره ملی ۲۲۴۹۸۷۷۶۱۰ در ششدانگ یک قطعه زمین مزروعی به مساحت ۱۵۲۸۸ مترمربع قسمتی از باقیمانده پلاک ۸۷-اصلی واقع در بخش ۲ حوزه ثبت ملک کردکوی خریداری شده از مالک رسمی آقای عبدالله مهدوی طبق رای شماره ۱۴۰۲۶۰۳۱۲۰۲۰۰۵۸۱۴ مورخ ۱۴۰۲۰۸،۱۳ کلاسه پرونده ۱۴۰۲۰۸،۱۳

پلاک ۹۱-اصلی اراضی روستای النگ

۱۳) آقای حسینعلی شهبازی فرزند علی اکبر به شماره شناسنامه ۲۳۲۶ صادره از کردکوی و شماره ملی ۲۲۴۹۳۳۴۳۴۷۵ در ششدانگ یک قطعه باغ به مساحت ۳۵۵۰ مترمربع که مقدار ۱۱،۳۵ سهم مشاع از ۱۲۰ سهم ششدانگ عرصه وقف عام است قسمتی از پلاک ۰ فرعی از پلاک ۰ فرعی از ۲ اصلی واقع در بخش ۲ حوزه ثبت ملک کردکوی خریداری شده از مالک رسمی آقای میرزکریاحسینی بالاجاده طبق رای شماره ۱۴۰۲۶۰۳۱۲۰۲۰۰۵۸۱۲ مورخ ۱۴۰۲۰۸،۱۳ کلاسه پرونده ۱۴۰۲۰۸،۱۳

۱۴) در رای صادره شماره ۱۴۰۲۶۰۳۱۲۰۲۰۰۳۶۲۹ بنام خانم سیده مژگان امیرلطیفی فرزند سید حسن نوع ملک از یک قطعه زمین با بنای احداثی به مقدار ۳۴۵ متر مربع مشاع از ششدانگ یک قطعه زمین مزروعی به مساحت ۱۶۸۳۱/۱۶ مترمربع قسمتی از پلاک ۱۰۵ فرعی از ۸۷-اصلی و رای اصلاحی به شماره ۱۴۰۲۶۰۳۱۲۰۲۰۰۵۸۱۰ صادر می‌گردد.

تاریخ انتشار نوبت اول: دوشنبه ۱۴۰۲،۰۸،۲۹

تاریخ انتشار نوبت دوم: چهارشنبه ۱۴۰۲،۰۹،۱۵

سید عیسی میرکاظمی - سرپرست اداره ثبت اسناد و املاک کردکوی - م.الف: ۳۷۰

جنگل پر تقال

یادداشت دبیر صفحه

در قسمت سینمای جهان به یک سریال می‌پردازیم؛ حمله به تایتان. یکی از پرطرفدارترین سریال‌های انیمه‌ی تاریخ که مدت پخش‌اش چیزی در حدود ۱۰ سال به طول انجامید، این سریال بر اساس یک مانگای ژاپنی به نویسندگی هاجیمه ایسایاما ساخته شده است. یکی از شگفت‌انگیزی‌های متحیرکننده‌ی این سریال به ظاهر عریض و طویل، غافلگیری و منتظر نگاه داشتن مخاطب در آخر هر قسمت آن بوده، در کنار این بارزهی عامه‌پسند، سوالات و پاسخ‌های بزرگان تاریخ فلسفه را هم به آن اضافه کنید که به زیرکانه‌ترین شکل ممکن در بطن اتفاقات داستانی سریال جای داده شده است، البته بدون کوچکترین ادا و یا توری ذوق‌زدنی. این هفته به سراغ نقد این سریال و فیلم داغ دیوید فینچر، یعنی قاتل می‌رویم. فینچر کارگردان کارکنده‌ی سینمای هالیوود است که آثارش همواره مورد توجه منتقدین و مخاطبان حرفه‌ای سینماست. و همچنین به یکی از فیلم‌های روز سینمای کشور خودمان یعنی جنگل پر تقال با بازی میرسعید مولویان نیز می‌پردازیم.

قاتل دیوید فینچر



علی درزی

تبعیت از طبع یک امر غریبست ولی حین این تبعیت، طبع هم بصورت اکتسابی پرورش می‌یابد. دیوید فینچر در اقتباس از کتاب باشگاه مشت زنی، یا فیلم دختری با خالکوبی اژدها، یا داستان کوتاه از فیتز جرالدر

بنجامین باتن یا بیوگرافی زاکربرگ در شبکه اجتماعی، نشان داده که برای به تصویر درآوردن دنیای ترسناک و پر از تعلیق خود فقط به قتل و جنایت وابسته نیست، بلکه کنه داستان‌ها هستند که او را ترغیب به خلق آثار دنیای خود می‌کند. حال می‌خواهد اقتباس از یک فیلم ساخته شده از روی یک رمان سوئدی باشد یا داستان کوتاهی از اسکات فیتز جرالدر. شکوفایی متناقض نمای این دنیا را در زودیاک به حد اعلا می‌رساند. فینچر یکی از دنباله‌روهای هیچکاک است، عنصر تعلیق مرکز ثقل دنیای اوست و در کنار این عنصر حیاتی، شخصیت‌های منفی که منفی بودنشان پر بیراه هم نیست را اضافه کند، منظوم‌رذالتی است که در اعماق نقاب زده‌ی همه ما پنهان است و بصورت پنهانی از به نمایش درآمدنش در فیلم لذت می‌بریم. فینچر هم مانند استادش هیچکاک به رمان‌ها و بازخورد آن‌ها بین مردم توجه خاصی دارد و تا حدودی می‌شود گفت: پیش‌بینی سلیقه‌ی مخاطب را هم در دستور کار دارد.

اما برای این بزرگ مرد چه اتفاقی افتاده؟

او بعد از شش سال وقفه در عرصه سینمایی و به‌آزایش مدیریت پروژه‌های سریالی، فیلم‌منک را ساخت، و سه سال بعد فیلم قاتل. در این مدت چه اتفاقی بر سر فینچر آمده؟ او تمام این سال‌ها کاندید ساخت جنگ جهانی زد ۲ بوده، فیلمی که دلخواه هیچ یک از طرفدارانش نبود و همه از پیش، اتفاقی که در بیگانه در اولین فیلمش افتاده بود را برایش پیش‌بینی می‌کردند.

جنگ جهانی زد ۲ هیچگاه توسط فینچر ساخته نشد ولی حاصل چه شد؟

اول منک: فیلمی است که می‌خواهد سرگذشت فیلمی به نام همشهری کین را روایت کند، اینکه حین ساخته شدنش توسط اسوه‌ی سینمای هالیوود یعنی اورسن ولز، چه اتفاقاتی برایش افتاده؟ چه اتفاقی بر سر هالیوود آمده بوده؟ و در نهایت چه بلایی سر آمریکا آمده بوده؟

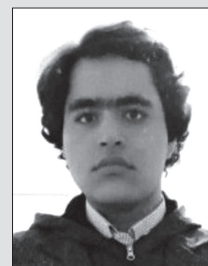
فون‌تیریر و تا حدی هم آرنوفسکی (مخصوصاً در آثار متأخرشان) مخاطبان‌شان را به دو دسته عاشق یا متنفر، صفر یا صد تبدیل می‌کنند ولی در مورد منک بعید می‌دانم همچین اتفاقی افتاده باشد. احتمالاً منک آنقدر دور از فینچر است که مخاطب آگاه‌تر، بعد از دختر گمشده به دنبال تحلیل و درک تغییری که فینچر اتخاذ کرده می‌گردد. می‌خواهد درک کند که فینچر با این تغییر قدم در چه راهی گذاشته؟ یقیناً همان مخاطب آگاه‌تر در اثر بعدی بیشتر دنبال آن بارزده‌های تغییر می‌گردد، اما واقعاً چه اتفاقی افتاده؟

دوم قاتل: قاتلی فیلسوف که با صحبت‌های خسته‌کننده‌اش روی فیلم به عنوان راوی، از خودش می‌گوید. او یک اجبر شده‌ای است که فقط و فقط پول را می‌شناسد و به ازای پول‌های هنگفت برای کارفرمایانش قتل‌های بی‌نقص انجام می‌دهد. او به قدری پول نقد دارد که می‌توان گفت از هر

بانکی پولدارتر است. فیلم از جایی آغاز می‌شود که این قاتل در ماموریتش شکست می‌خورد (طوری تیرش به خطا می‌رود که هر تک تیرانداز آماتوری هم ممکن است آن اشتباه را انجام بدهد!) و خانواده‌اش (دختر مورد علاقه‌ای که حاضر است جانش را هم برایش بدهد) تاوان این اشتباهش را پس می‌دهد. اینجاست که شخصیت قاتل بی‌رحم فیلم به دنبال انتقام می‌رود. داستان کلیشه است و بدتر از آن شخصیت‌ها هم به همان نسبت کلیشه‌اند و چگونگی رسیدن به هدف هم به کلیشه‌ترین شکل هالیوود نشان داده می‌شود. فیلم فینچر در روند قصه هیچ تعلیقی به وجود نمی‌آورد، هیچ دلواپسی برایمان به وجود نمی‌آید، او گره‌ها را یکی پس از دیگری به راحتی آب خوردن باز می‌کند و به اهداف نقطه به نقطه‌اش می‌رسد، بدون کوچکترین مشکلی! نه همذات‌پنداری با شخصیت رخ می‌دهد و نه نفرت. شخصیت هیچکاک به خطر جدی نمی‌افتد که ما منتظر عکس‌العملش باشیم تا بلکه به واسطه‌ی آن عاشق هوشش شویم، هوشی که فقط راوی از آن گفته و هیچ چیزی از آن نشان داده نمی‌شود. نه معمایی طرح می‌شود و نه خلاقیتی در باز کردن گره‌ها خرج می‌شود، این فیلم نه جیمز باند است که تکنولوژی را نشان‌مان دهد و نه گوست داگ سامورایی مسلک، قاتلمان همچون عروسک خیمه‌شب‌بازی است که نخ‌هایش را خریداری با هیجان کودکان‌های به حرکت در می‌آورد؛ هر کسی را که سر راهش سبزی می‌شود را به سهل‌عبورترین شکل ممکن، طبق منطقی بچه‌گانه از جلوی رویش برمی‌دارد. فینچر مرد صحنه‌های تاپ اکشن در سینما نیست، ولی دعواهای باشگاه مشت زنی به خاطر ذات قصه‌ای که دارد یقیناً می‌توان مبارزات آن را یکی از جذاب‌ترین مبارزات تاریخ سینما دانست. در فیلم قاتل، زد و خورد در حد متوسط است و موضوع زد و خورد هم کلیشه‌ای بیش نیست. قاتل ما به اصل عدم دل‌رحمی پایبند است و تا آخر هم به همان اصلش وفادار می‌ماند و شکست هم نمی‌خورد. در قصه، مخاطب توسط نقطه ضعف قهرمان است که نگرانش می‌شود و با او همذات‌پنداری می‌کند و گرنه روین تن به معنای شکست ناپذیر، هیچ جذابیت داستانی ندارد. از پاشنه آشیل تا چشمان اسفندیار است که روئین تنی در اسطوره‌ها و قصه‌ها معنی می‌شود، حتی رستم خودمان هم که قهرمان است، همواره تا آستانه شکست می‌رود ولی، این زال است که به دادش می‌رسد، او برای پیروزی حتی به فریب و نیرنگ هم متوسل می‌شود، ولی قاتل فینچر چیست؟ یک ابر مرد اجبر شده توسط خودش که روئین تن بی‌ضعف است. طبع تربیت شده‌ی فینچر در سال‌های سریال‌سازی‌اش منجر به فیلم قاتل شده، فیلمی که بیشتر شبیه به سریالی است که قرار است در قسمت‌های بعدی با نقاط ضعفش آشنا شویم.

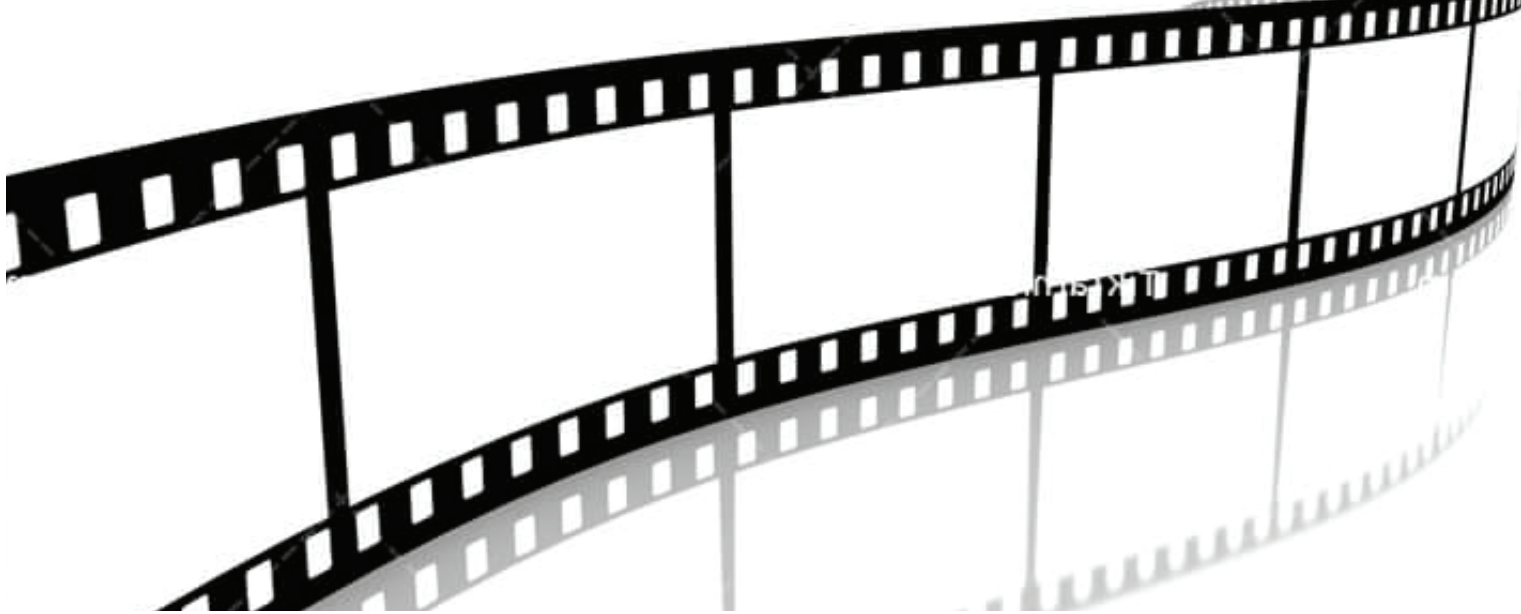
من کم پیش می‌آید که به سینما بروم. عجیب است شاید. دوستدار سینمایی که نمیرود سینما. همانطور که کم کم نمیتوانم کتابهای چاپ جدید را بگیرم. از سینما می‌روم به سایت‌های دانلود که به مدد آپارات و فیلیمو و نماوا انبوهی از فیلم‌ها ریخته سرشان و از کتابهای جدید می‌روم به کتابخانه‌های عمومی و دست دوم فروشی‌ها. اما این سینما رفتنم شاید بعد از یک سال و خرده‌ای بود؛ همراه با نوری-ستاره‌ای. جنگل پر تقال فیلمی شخصیت محور است. با یک شخصیت مرکزی. جنگل پر تقال درباره زندگی معلمی است که قرار است آموزش ببیند. فیلم اسمی از آموزش نمیدهد، این را من می‌گویم. فیلم میتواند به خوبی در غالب جاها نمایش دهد و دهانش را باز نکند به دیالوگ و شعار. مرد معلم (سیر و سلوک ادیبی) به علت تحویل ندادن مدرکش به مدرسه ایی که در آن درس میدهد، مجبور میشود بعد از پانزده سال برود به دانشگاهش که در شمال است تا لیسانس ادبیات نمایشی اش را بگیرد. هنگام انجام دادن کارهای دفتری، بهش میگویند که کارت پایان خدمتش را تحویل بدهد، اما او نیاورده کارت را از تهران. برای همین مجبور است زنگ بزند تا کارت را از تهران برایش بفرستند و به اجبار مدتی را در شهر میماند. شهری که آشنایایی از قدیم او را میبینند و میشناسند و از گذشته و زمان دانشگانشان تعریف میکنند. و از خود مرد هم. مرد که بوده؟ بیابید خلاصه بگویم: ازین هنرمند-نویسنده‌هایی که پر از ادا و اطوار و اصول مندرآوردی هستند و به فلان فرم خشک و تئوری پایبند و اصلاً شماها نویسنده نیستید و من از دماغ فیل افتاده‌م و این بدست و آن بدست و اصلاً من فرشته‌ی روی زمینم و این را بکوب و نقد کن و آن را بکوب و حالا جناب عزیز، منتت کو؟ داستانت کو؟ نویسنده نیستی مگر؟

جنگل پر تقال



محمد صالح فصیحی





نگاهی به سریال حمله به تایتان



علی فریدونی

افلاطونی دوباره شکست میخورد. الگوی رفتاری شاه-خدای درون دیوارها برگرفته از پریکلس (سیاستمدار یونانی عصر طلایی یونان) است که باشکوه ترین بنای عصر خودش (پارتون) را ساخته است، کاری که در سریال هم پادشاه انجام داده است و معماری باشکوهی برای شهرش درست کرده است کاری که دلیلی فرای زیبایی دارد و بعدها متوجه آن میشویم. توسیدید در مورد پریکلس نوشته است که او استراتژی اش در جنگ فرسودگی دشمن و حفظ وضعیت موجود بود و البته اینکه معتقد است که آتن در ظاهر یک دموکراسی بود، اما در واقع توسط اولین شهروند خود اداره می شد و ویژگی هایی که پادشاه دیوارها و سرزمین وی هم داشت و اما از لحاظ فلسفی-سیاسی و روانشناسی سریال به شدت وامدار نظریات داروین، نیچه و فروید است. بقای برتر در جای جای اثر مشخص است و ما شاهد درگیری های متعددی هستیم که قوی ترها همیشه در آن پیروزند و چرخه زندگی تکرار میشود و میل پنهان جنسی رابطه اصلی اثر را میسازد و مهم ترین ارتباط داستان است و دلیل قتل عام چیزی نیست جز حس سرخورده جنسی یک زن (یمیر) نسبت به همسرش. فروید تمام حرکات و حس های انسانی را به قوه جنسی ارتباط میدهد و میگوید که قوه جنسی سرکوب شده میتواند دلیل بسیاری از رفتارهای انسانی باشد و ما اینجا میکاسا را داریم که با سرکوب قدرت جنسی و رابطه اش با ارن بیگر به یمیر (مادر تایتان ها) که شکلی تحقیر شونده از رابطه با همسرش را داشته است و همچنان مقهور او و افکارش است امیدوی برای رها شدن میدهد البته با کشتن ارن بعد از نابودی هشتاد درصد از جمعیت جهان و ظلم و ستمی که در سرتاسر سریال پابرجاست و قرار نیست که در صدی کم شود. یمیر با تبعیتی که از خاندان سلطنتی دارد و بعد با تستی که میخواهد از میکاسا بگیرد در کنار ارن ظالم ترین شخصیت داستان است و بله تبعیت بی چون و چرا از ظالم بزرگ ترین خیانت نه تنها به خود که به کل بشریت است. نظریه نیچه و بازگشت جاودان اش و البته نظریه شوپنهاور و اینکه نسل بشریت نباید ادامه پیدا کند چرا که جز ظلم و تباهی در کار نیست از یک از آن خود کرده است و در صدد نابودی این چرخه است او که به شدت در این راه مبارزه میکند به عنوان یک ماتریالیست و در هنگامی که کاملاً از مبارزه ناامید شده است با امیدهایی کوچک ولی ارزشمند به زندگی باز میگردد تا جلوی غرش را بگیرد و البته نسل تایتان را از زمین پاک کند تا شاید کمی از آلام جهان کم کند هر چند جواب این را هر کسی میداند که چیست، رنج های جهان تمام نشدنی هستند هر چند میتوان آنها را کم کرد. اگر این مجموعه را بخواهیم در یک جمله خلاصه کنیم جمله معروف هابز

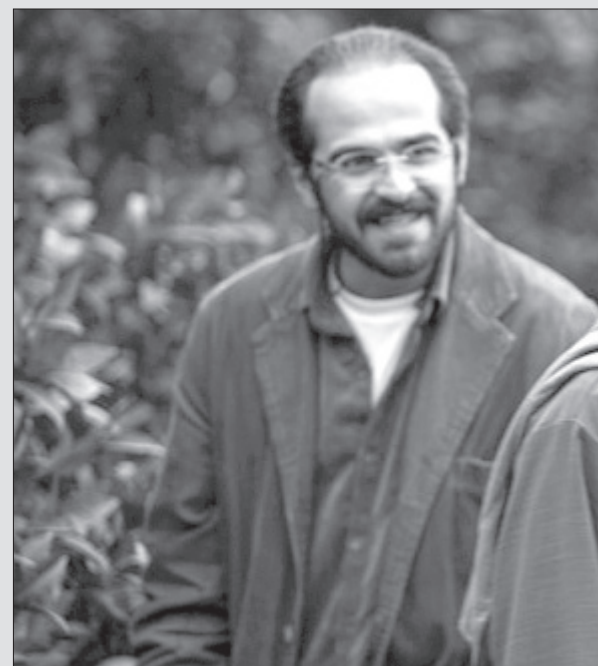
بالاخره یکی از بهترین و محبوب ترین سریال های جهان به اتمام رسید و حال میتوان آن را قضاوت کرد. داستان در گذشته های دور اتفاق میفتد جایی که آخرین انسان ها در قلعه ای که به دور خودشان درست کرده اند از غول هایی عظیم الجثه پنهان شده اند اما قرار نیست همه خود را برای همیشه پنهان کنند و اگر فکر میکنید که با یک داستان فانتزی معمولی روبرو هستید دارید اشتباه میکنید چونکه ایسایاما یکی از کامل ترین داستان های تاریخ تلویزیون را نوشته است و به مسائل مختلفی پرداخته است. داستان سیاست مدارانی که حافظه تاریخی ملت شان را پاک کرده اند و میخواهند یک جامعه جدید با افراد برگزیده خودشان برپا کنند اما قرار نیست که فاصله طبقاتی در آن از بین برود و قرار نیست که تمام افراد آن آزادی را فراموش کنند و برای دیدن بیرون دیوارها از جان شان نگذرند و جامعه آرمانی دیکتاتوری

تعریفی جامع از آن است: انسان گرگ انسان است

چه در درون دیوارها و چه برون از آنها انسان ها حیواناتی هستند بی رحم و ظالم که به هیچکس رحم نمیکنند جز گله خودشان حتی آرمن که معصوم ترین فرد در میان آنهاست با تبدیل شدن به غول عظیم الجثه دستانش به خون صدها هزار نفر آلوده است و خاطرات و زندگی هزاران نفر را نابود کرده است، زیک که اومانیستی عجیب است حتی به نزدیک ترین اطرافیانش رحم نمیکنند و برای رسیدن به هدفش هر کسی را که جلوی راهش باشد قربانی میکند، کاپیتان لیوای که از محبوب ترین شخصیت های داستان است برای زنده ماندنش تمام افرادش را تکه تکه میکند و ارن هم که به ادعای خودش برای آزادی میجنگد در نهایت هشتاد درصد جمعیت دنیا را زیر پا له میکند. از لحاظ سیاسی حمله به تایتان به فاشیسم و توتالیترسم توجهی خاص دارد از سخنرانی های جذاب اروین گرفته که گردانی از سربازان را برای رسیدن به تایتان هیولا قربانی میکند تا به هدفش برسد گرفته تا ارتش بیگریست ها که نمادی از وطن پرستی افراطی و فاشیسم هستند، اشارات ایسایاما به ژاپن قبل از جنگ جهانی دوم و وطن پرستی افراطی آنها که در نهایت به فاجعه رسید برگرفته از خاطرات جمعی کشورش است. اما انسان آزاد است یا اختیار ندارد و در جبر گرفتار است؟ ارن خودش را برده آزادی مینامد و در لحظه به لحظه زندگی اش به دنبال آن است ولی در گفتگوی پایانی اش با آرمن همه چیز را از قبل تعیین شده مینامد و هیچ امیدوی به تغییر سرنوشت ندارد، در کتاب سلاح خانه ی شماره پنج موجودات فضایی میگویند اختیار کلمه ای است که فقط در زمین وجود دارد و هیچ جایی از این دنیا کلمه ای مشابه آن وجود ندارد که معنایی شبیه آن داشته باشد. اما چرا انیمه ای با این حجم از فلسفه و تاریخ و بیش سیاسی توانسته است که اینچنین در میان مردم به محبوبیت دست پیدا کند و جز پر بیننده ترین های تاریخ تلویزیون باشد؟ جواب در هیجانی است که توانسته است در مخاطب ایجاد کند و تقریباً در هر قسمت یک شگفتی و اتفاق عجیب را رقم میزند و این ویژگی مثبت را تا قسمت های پایانی هم حفظ میکند. و در نهایت میخواهم از کورت ونه گات نویسنده پست مدرن آمریکایی مثالی بیاورم که دلیل فوق العاده بودن هملت را این میدانند که مثل اغلب داستان های هالیوود با اثری روبرو نیستیم که یک نفر از اوج بدبختی به اوج خوشبختی میرسد و در نهایت همه موجودات خوب به شادی مطلق میرسند بلکه با داستانی روبرو هستیم که کرکترها همگی در رنج هستند و قرار نیست که یک اتفاق آنها را از رنج و محنت دور کند بلکه زندگی همیشه در یک محور باقی خواهد ماند.

پیرهنش را پاره کند تا تجربه بیاورد به دست. تجربه ی زیسته. تا بفهمد چه بوده و چه هست. از کجا آمده ام آمدنم بهر چه بود. بفهمد که همین کارهای به ظاهر کوچک و کم اهمیت چقدر موثرست رو زندگی خودش و دیگران. بفهمد که ممکن است از کسی که بهش محل نمیگذاشته ای و حتی بدش را هم گفته ای حین بازیگری اش، خوشش بیاید ولی دیگر دیر شده باشد و عشق، سفر کرده باشد و جنبیده باشد و رفته باشد از دستت. و یادگارتان بماند فقط یک ... بماند فقط یک قطعه ی موسیقی. و تو غرق شوی در بوی پرتقال و سبزی جنگل ها و حماقت-جهالتی که داشته ای. به جبری که شاید از سرت گذرانده ای. به اینکه خودت را اصلاً میشناخته ای؟ یا حتماً باید بزندی تو سرت و تحقیرت کنند و واقعیت را پرت کنند تو صورتت تا بخواهی بفهمی که بوده ای و چه کرده ای و ما تازه تو را بشناسیم؟ جنگل پرتقال در ذکر جزئیات تقریباً به خوبی عمل میکند. از دلستر در همان اوایل فیلم گرفته، تا الموت، تا صفحه ی گرامافون و دانشجوی جدید دانشگاه مثلاً. صرفاً نکته ای که این وسط باقی مینماید اینست که کمی زیاده روی میکند در منفی کردن معلم. معلم تا جایی تماماً خوب است و مثبت، و از جایی شروع میشود به بدگفتن ازش. اگر معلم مانند همه ی ماست و آدمی معمولی است پس باید میزان منفی بودن به حدی بود که خاکستری بودنش رعایت شود و وجهه ی منفی بودنش تا پیش از پایان، اینقدر زیاد نشود. البته که میشود با تسامح رد شد ازش. صرفاً پیشنهاد میدهم و بر سندان میکوبم. جنگل پرتقال فیلم شخصیت محور و مینیمال خوبی است. کوچک و جمع و جور و با حرف حساب شده-انسانی اش.

اثر! اثر را بده نشانم. گور خودت. بنشین و بنویس! اما این جناب معلم-نویسنده در طول این سن سی و خرده ای ساله اش، هنوز یک نمایشنامه را دارد تکمیل میکند. شاید هم تمامش کرده. اما خب چاپ نکرده هنوز. یک اثر در این همه سال. بابا گوته تشریف دارید شما؟ یا فردوسی اید؟ بعد نه تنها در زمینه ی ادبیات و داستان نظر میداده و همچچه شخصیتی داشته، بلکه رو بازی و کارگردانی دیگران هم نظر میداده و نقد هم میکرده - او و دوستش یک نشریه دانشگاهی هم راه انداخته بودند - و چندین دختر هم عاشق این پسر-معلم ما شده بودند. یکی ازین دخترها بازیگر بوده و معلم هم محل نمیداشته بهش. اما دختر دوستش داشته و حتی برایش صدایش را ضبط کرده و مثلاً برایش از باغ باباش پرتقال هم آورده و وقتی هم که هول شده گفته که ما یک جنگل پرتقال داریم. داستان از جایی وارد پرده ی دوم میشود که معلم ما در گشت و گذارش در بین شهر-دوستانش میفهمد که این دختر مدتی را در کما بوده و حالا فراموشی گرفته. و تصمیم میگیرد برود به دیدنش. اسپویل کنم کلش را؟ بروید ببینیدش خب. نمیدانم طعم گیلاس را دیده اید یا نه. برای آن فیلم، من نقدیادداشتی نوشتم با عنوان انسانی زیاده انسانی. که قابلیت تعمیم پذیری به انسان های زیادی را داشت و حتی گاهی از آن ور بام میفتاد. جنگل پرتقال دو مزیت دارد نسبت به طعم گیلاس. یکی اینکه انسانیت انسان را، با وجود ذکر مصادیق-نمایشی کردن، همچنان در عامیت-کلیت نگه داشته؛ و دومین اینکه داستان هنری را به داستانی عامیانه و مینی مال - هرچند کمی خاص پسند - تبدیل کرده است. معلم درین سفر، قرارست با خودش روبرو شود. قرارست خودش را بشناسد. قرارست



به مطالعه کتاب از آنها، انسان هایی خوش فکر و آزاد اندیش بسازیم.

- تنها دوستی که عیوب ما را بدون هیچگونه سرزنش و تحقیر به ما می گوید کتاب است. بنابراین: از کتاب باید همانند آینه ای برای خود شناسی و اصلاح رفتار خویش استفاده کنیم.

- خانه ای که در آن کتاب نباشد، نه تنها دانایی در آن راه ندارد، بلکه جهل در آن جا رخنه می کند.

- جهالت در نظام هستی بی ارزش است. بنابراین: کتاب بخیریم و به اهل خانه بدهیم چرا که سرچشمه دانایی ها است و بالاخره در هفته کتاب می توانید دست نوازشگر خود را بر روی کتابهای غبار گرفته و بایگانی شده در کنج خانه، مدرسه، مساجد و نمازخانه ها بکشید و در دسترس علاقمندان به مطالعه قرار دهید.

- از طرح ها و برنامه های دیگر بالاخص نهادینه کردن کتاب های کوچک و جلد پستی که دو منظوره تهیه شده است در جشن ها و عروسی ها بجای کارت های دعوت گر انقیمت با اهداف ترویج کتابخوانی و آموزش خانواده تهیه و تالیف گردیده استفاده شود. و بدینوسیله کتاب وارد سبد کالای خانواده ها می شود.

- گنجاندن واحد درسی به نام کتابخوانی در سطح مدارس و دانشگاهها از دیگر راههای عملی تحقق اهداف و کتابخوانی می تواند باشد. قابل ذکر است تایید و تشویق و تکریم بجا و به موقع به مناسبت های مختلف از پدیدآورندگان کتاب و خادمان نشر ممکن است نیازهای روانی آنها را تامین نماید این امر جای سپاس و تشکر از مدیران و مسئولان را دارد و اما جا دارد که به بُعد حمایتی از فعالان و دست اندر کاران نشر، نویسندگان و هنرمندان نیز توجه شود زیرا که همه مشکلات با برخورد های شعار گونه حل و فصل نمی شود بدین ترتیب جا دارد شعارها به عمل پیوند داده شود. امید و انتظار این است که از طرح های برگزیده و نشأت گرفته از تراوشات فکری، خلاقیت ها و ابتکارات ناشران و مولفان و رسانه ها حمایت بعمل آید.

- خلاصه کلام اینکه: مدیران محترم و رسانه ها با آن کسانی که نمی خواهند کتاب و مطبوعات به عنوان قوی ترین ابزار رسانه ای در صدر باشد و از کتاب و مطبوعات وحشت دارند، مبارزه نمایند.

ناشر و مولف در راستای پیشگیری از آسیب های اجتماعی و رفتارهای پرخطر

هدیه و بهترین حافظه اجتماع می تواند باشد و پیشنهاد می شود که هدیه دادن کتاب در سطوح مختلف جامعه مخصوصاً در جشن ها، عروسی ها و اعیاد بصورت یک راه و رسم مطلوب رونق بخشیده شود.

چند نکته مهم برای ایجاد زمینه های کتابخانه و ترویج کتابخوانی:

- کودک و نوجوان را نباید به حال خود رها کرد باید آنها را زیر نظر داشت و با ایجاد فضای آموزشی مناسب به سوی درس و کتاب کشانید و محیط را آنگونه آماده کرد که از عوامل منحرف کننده ذهن خالی باشد، جز توجه



به اعمال و رفتار پدر و مادر (که به کار خواندن و نوشتن سرگرم اند) به چیز دیگر نیندیشند.

- کودک فرزند آدم است و آدمی موجودی است «مقلد» از حس تقلید کودک باید در جهت روی آوری او به کتاب نهایت استفاده را کرد.

- کودک در آغاز به پیروی از حس تقلید از پدر و مادر، کتاب می خواند اما رفته رفته این کار برای او عادت می شود.

- بهتر است والدین و مربیان برای روی آوری کودک و نوجوان به کتاب و مطالعه، به زور متوسل نشوند.

- به پرسش های کودکان با نهایت دقت پاسخ داده شود تا آنها قانع شوند.

- اگر انتظار داریم که فرزندانمان انسان هایی آگاه، آزاد، توانمند و متکی به نفس بار بیابند، باید همه تلاش خود را متوجه ایجاد عاداتی در آن ها نماییم که کودکان ما را در برابر هر نوع تعصب، جمود فکری، تنگ نظری و بی تفاوتی مصون بدارد. بنابراین، با تشویق فرزندان خود

در هفته کتاب بهتر است علاوه بر تجلیل از خادمان و فعالان عرصه نشر و برپایی نمایشگاههای کتاب تلاش کنیم در صدد احیای سنت دیرینه و زیبای «هدیه دادن» کتاب برآیم، چه هدیه ای بهتر از کتاب / زیرا وقتی که کتاب را باز می کنیم، دو بال پرندگی را گشوده ایم، پرندگی که از زمین، تو را به شهرهای دور و به باغ های نور و

روشنایی و تفاهم و سازگاری می برد. دیر زمانی بود که خانواده ها از هدیه کردن کتاب غافل مانده بودند، تاسیس و تشکیل کتابخانه ها در هفته کتاب می تواند این غفلت را به هوشیاری تبدیل کند. هیچ مانعی ندارد اگر هریک از ما در کنار هدایایی که به عزیزان خود می دهیم یک کتاب هم اضافه کنیم، هر چند که بدانیم طرف مقابل، اهل کتاب و کتابخوانی نیست. کتاب در خانه ها، سرانجام روزی

افراد خانه را به سوی خود می کشاند و حتی ورق زدن کتاب نیز ممکن است دل بستگی به مطالعه را در وجود افراد بیدار کند. در چنین روزها و هفته هایی به دهها و صدها کتابخانه در سطح شهرها و روستاها بیندیشیم و با استفاده از سنت هدیه دادن در حد مقدور کتابهایی

به کتابخانه های شهر و روستا هدیه کنیم. مدارس و مساجد نیز پایگاههایی هستند که به کتاب و کتابخانه نیاز دارند. جهت ایجاد تحول در سطح جوامع شهری و روستایی، باید مردم جامعه نیز تحول یابند و آنچه را که در جهان پیرامون آنها اتفاق می افتد درک کنند. ویژگی ها و استعداد های نهفته در خود و اقلیم خود را دریابند.

این امر شدنی نیست مگر اینکه در اطلاعات، آگاهی و شناخت افراد جامعه تغییر ایجاد شود یکی از ابزارهای مهم شناخت و آگاهی، کتاب و کتابخانه است که به عنوان منبع اطلاع رسانی نقش اساسی را ایفا می کند.

بنابراین والدین، مربیان بایستی کتاب بخزند و بخوانند و فرزندان خود را به کتابخانه ببرند و ... حتی اگر عادت به مطالعه ندارند در حضور فرزندان خود تظاهر به مطالعه کتاب، روزنامه و مجله بکنند زیرا که آنها برای فرزندان

خود به عنوان مدل و الگو مطرح هستند که از اعمال، رفتار و گفتار آنها تقلید می شود، بنابراین جا دارد که عادت مطالعه را در وجود کودکان و نوجوانان بصورت

یک عادت نیکو و پسندیده ایجاد و تقویت کرد و مسئله کتابخوانی نیز یک امر اکتسابی است و الزاماً باید در یک نظام آموزشی و پرورشی تبدیل به یک رفتار شود. لازم به یادآوری است که کتاب ها، علی الخصوص در کتاب آسمانی قرآن نیز همه حقایق و رموز تکامل بشری و خوشبختی روشن است. کتاب بهترین دوست، بهترین



کتاب آینه فرهنگ و فرزندی

در هفته کتاب در سراسر کشور یاد یار مهربان را گرامی می داریم



رجب محمد بشارتی فر

